

طبیعت مازندران بر آثار تاریخی آن سایه افکنده و بناهای تاریخی را از اولویت گردشگری خارج کرده است

گردد فراموشی بر میراث «طبرستان»

یک مشکل جدی که آثار تاریخی در مازندران دارند
برمی گردد به حفاری غیر مجاز که البته دامنگیر سراسر
ایران است، ولی در مازندران به طرز عجیبی گسترش
دارد. شما هر جای جنگل که بروید می بینید جاهای
مختلف جنگل را چاله کنده اند که بعضی از چاله ها
۲۰-۳۰ متر عمق دارد و به دنبال گنج و بسیاری از این موارد
بوده اند.

در روستای «کرمود» بیش از ۷۰ بنای آرمگاه‌هی وجود داشته‌آرآمگاه‌هایی مربوط به شاهان و خاندان‌های سلطنتی محلی که همان استبداداران هستند که عناوین دیگری همچون اسپهبدان و پادوسایان هم دارند. اگر امروز نگاه کنید از این بناها فقط یک مورد تقریباً نیمه‌سالم باقی مانده که همان کم‌کاش را رکنده‌اند و دیوارها را سوراخ کرده‌اند. بقیه بناها کاملاً فرورفته‌اند؛ همه را رکنده‌اند و حفاری کرده‌اند. افراد به امید پیدا کردن گنج، این بناها را تخریب کرده‌اند.

هر جایی هم که یک تپه باستانی باشد، با چنین خطری مواجه است. باستان‌شناسان تپه‌های باستانی را ششاسای می‌کنند و برای کاوش به آنجا می‌روند. مثلاً آن‌ها تا ساعت ۵ عصر در حال کاوش هستند و در تیم پژوهشی هنوز تمام نشده که به خانه‌ای در روستای نزدیک می‌روند تا استراحت کنند و داده‌هایی را که در طول روز جمع‌آوری کرده‌اند، بررسی و تحلیل کنند تا روز بعد دوباره کار را ادامه دهند. اما در همین فاصله، برخی افراد تصور می‌کنند وقتی باستان‌شناسان آمده‌اند و در حال کاوش هستند، حتماً گنجی در آنجا وجود دارد، بنابراین شبانه به محل می‌روند و با بیل و کلنگ شروع به حفاری و تخریب می‌کنند.

■ برای اینکه توسعه عمرانی و گردشگری در مازندران در تعارض با حفاظت از میراث تاریخی قرار نگیرد، چه تغییراتی در سیاست‌گذاری و نظارت ضروری است؟

در مازندران اصولاً نه برای میراث فرهنگی برنامه‌ریزی مدونی شده و نه برای طبیعت‌گردی. وقتی برای طبیعت‌گردی برنامه مشخصی وجود ندارد، نمی‌توان انتظار داشت برای میراث فرهنگی به صورت جداگانه برنامه‌ریزی جدی انجام شده باشد.

ضمن اینکه در بحث میراث فرهنگی، نکته دیگری هم وجود دارد که مرتبط با همین موضوع است: من خودم یک قیرستان تاریخی در یکی از روستاها را شناسایی کردم. فرم مربوط به آن را تکمیل کردم و به اداره میراث فرهنگی همان شهرستان ارائه دادم. اسم شهرستان را نمی آورم. به رئیس میراث فرهنگی گفتم که این قیرستان باید ثبت شود.

ایشان با اشاره به یک واقعیت تلخ، گفت: «ما حرفی نداریم؛ تمام چیزهایی که شما گفتید نشان می‌دهد این قبرستان قابلیت ثبت تاریخی دارد، اما کافی است خبر ثبت این قبرستان بین مردم پخش شود؛ همان شب اول ممکن است عده‌ای بروند، سنگ‌های قبر را بشکنند و اطراف قبرها را حفاری کنند، این تصور که در کنار مردگان طلا دفن شده است. در این صورت هم حرمت مردگان از بین می‌رود و هم همین چند سنگ تاریخی که در اینجا باقی مانده، تخریب و نابود می‌شود.»

به نظرم این واقعیت تلخی بود که ایشان مطرح کرد و من هم حقیقتاً با شنیدن این توضیحات متقاعد شدم که در چنین شرایطی، حتی ثبت و معرفی یک اثر تاریخی بدون فراهم کردن سازوکارهای حفاظتی می تواند خودش به تهدیدی برای آن اثر تبدیل شود.

در واقع گردشگری داخل مازندران بدون متولی است، چالوس به عنوان نماد طبیعت گردی ایران در نظر گرفته می‌شود، اما شما این شهر را نگاه کنید؛ سرویس حمل و نقل عمومی، کانال کشتی خیابان‌ها، پیاده‌روها ... این شهر حتی برای مردم عادی و ساکنان بومی خودش متوسط رو به پایین است چه برسد به اینکه بخواهد نماد طبیعت گردی ایران باشد. همه این‌ها نشان می‌دهد چالوس به طور کلی مازندران ظرفیت تکمیل همه گردشگر را ندارد و آزادراه تهران - شمال هم که نشان شود گام جدی‌تری برای نابودی مازندران برداشته می‌شود.



مازندران ظرفیت‌های تاریخی فراوانی دارد، اما برنامه مدونی برای گردشگری میراثی و سازوکار کافی برای حفاظت از آثار باستانی وجود ندارد، از این رو خطر تخریب برای میراث این استان همچنان جدی است.

بهرمی می‌گردند، اما در این بناها بسته است. مردم نتوانه
این آثار را نمی‌شناسند، بلکه حتی اگر چهار نفر از خود
چالوسی‌ها، مازندران‌ها یا احبانا گردشگری که با تاریخ
منطقه آشنایی دارد، بخوانند از آن‌ها بازدید کنند، با در
بسته مواجه می‌شوند.

یک مثال آشکار آن کاخ چای خورن در میدان مخابرات چالوس
است. این بنا به بخش خصوصی سپرده‌اند: یک ماه با
و دو سال بسته است. من بارها خودم مراجعه کرده‌ام و در
مجموع فقط دو سه بار موفق شده‌ام داخل آن را ببینم. هر بار
هم توضیحی داده می‌شود: یک بار می‌گویند در حال تعمیر
است، یک بار می‌گویند در حال مرمت است، یک بار می‌گویند
مشکل قانونی پیش آمده و گفته شده چراغ آتش سوزی
شده است. در نهایت معلوم نیست این میراث فرهنگی دست
چه کسی است و چه اتفاقی برای آن می‌افتد. بقیه آن‌ها تاریخی
هم به همین طریق با این مشکل مواجه هستند.

آیا در مازندران محوطه‌های تاریخی شناسایی نشده‌ای وجود دارد که اجرای پروژه‌های عمرانی یا توسعه سکونتگاه‌ها آن را در معرض نابودی قرار داده باشد؟

بله خیلی زیاد دارم که با شناسایی نشدن این شناسایی شده‌ها و ریل نادبودی هستند مثلاً قنبر کتید درله تپه باستانی «شهنة پشته» که دقتاً چند هزار ساله دارد، اطلاع دارم که برخی از دوستان باستان شناس بارها برای آن پرونده تشکیل داده‌اند و به میراث فرهنگی برده‌اند اما ثبت نشده است؛ خیلی‌های دیگر هم هست که هیچ کسی برای آن‌ها پرونده تشکیل نداده و ثبت هم نشده‌اند و کسی هم پیگیرشان نیست و آسیب‌هایی می‌بینند که حتی شامل پروژه‌های عمرانی، دست اندازی به زمین‌های اطراف، تصرف عدوانی و... هم می‌شود.

یک جاده سه طبقه چندباند در ساحل و به موازات دریا ایجاد شود اما جزیره و برج مانلی در دریا ساخته شود با ۱۵۰ طبقه که هر طبقه ظرفیت ۳ هزار نفر را داشته باشد تا ۳۰۰ هزار نفر اینجا سکونت داده شوند. کلی هم بنر زدند تا فلان سال این پروژه پایتخت ساحلی تکمیل خواهد شد. من همان زمان گزارش مفصلی نوشتم و توضیح دادم که چرا این طرح غیرکارشناسی است و چرا از الان مشخص است که شکست خواهد خورد.

یک مثال ساده این است شهری که در موقع مطرح شدن این طرح در اواخر دهه هشتاد خورشیدی ۱۰ هزار نفر جمعیت داشته، اگر قرار باشد ۳۰۰ هزار نفر در آن سکونت داده شوند، باید پرسید آب این جمعیت چگونه تأمین می‌شود؟ برق آن‌ها از کجا می‌آید و زباله‌هایشان چگونه مدیریت و دفن خواهد شد؟

برای نمونه، در حال حاضر زباله‌های شهر و شهرستان نور در نزدیکی جنگل الیمالات دیبو و فن می‌شود و شیاربه حاصل از این زباله‌ها به محیط اطراف آسیب زده و بخش‌هایی از جنگل را تخریب کرده است. اما تصور کنید قرار باشد ۳۰۰ هزار نفر در چنین مناطقی مستقر شوند. حتی اگر برای این جمعیت شغل ایجاد شود، مسئله رفت‌وآمد آن‌ها چگونه حل خواهد شد؟ صبح ۳۰۰ هزار نفر قرار است از یک مسیر ورودی خارج شده و وارد شهر شوند؛ آیا این وضعیت موجب قفل شدن شهر، حتی استان نمی‌شود؟ عصر نیز هنگام بازگشت از محل کار، آیا شاهد شکل‌گیری صف‌های چند کیلومتری نخواهیم بود؟

همین‌بی‌برنامگی در دیگر شهرهای استان هم دیده می‌شود، مثلاً در چالوس چند سایت تاریخی وجود دارد که عمدتاً به اواخر دوره قاجار یا اوایل دوره پهلوی

در آن سوی رودخانه، پایه‌های مربوط به راه ساسانی نیز دیده می‌شود. بنابراین دست کم بخش‌هایی از مسیر هزاره در دوره ساسانی مورد استفاده بوده و آثار آن همچنان باقی مانده است. این مسیر در دوره‌های بعدی نیز تداوم داشته و در دوره قاجار مورد توسعه و تعریض قرار گرفته است. پس از قاجار و در دوره پهلوی نیز بار دیگر توسعه و تعریض مسیر انجام شده و در نهایت، در دوره اسلامی به شکل امروزی درآمده است.

نکته این است که برخی از این راه‌ها تقریباً همان مسیرهای قدیمی هستند، بعضی از مسیرها متروکه شده‌اند و برخی دیگر نیز ممکن است بعدها ایجاد شده باشند، اما به‌طور کلی می‌توان گفت با توجه به کاربردی این راه‌ها در گذشته داشتند، بسیاری از مسیرهای امروزی دقیقاً بر همان مسیرها منطبق هستند.

■ آیا توسعه گردشگری در مازندران به حفاظت از میراث تاریخی کمک کرده یا در برخی مناطق خود به عاملی برای تخریب و فشار بر این آثار تبدیل شده است؟

توسعه گردشگری در مازندران هیچ کمکی به حفاظت از میراث تاریخی این استان نکرده و خودش هم مستقلاً عامل مستقیمی برای تخریب این آثار تاریخی نبوده به این دلیل که ظرفیت‌های میراثی استان نه اینکه ناشناخته باشند برای مسئولان، بلکه سرمایه‌گذاری برای جذب گردشگر بر پایه آن صورت نگرفته است.

مازندندان به عنوان قطب طبیعت گردی ایران شناخته می‌شود و وقتی حرف از طبیعت گردی می‌شود، جاده چالوس و مازندران و شمال به ذهن متبادر می‌شود. در واقع برای این امر برنامه‌ریزی چندان نشده است؛ در هیچ نقطه‌ای از مازندران طرح گردشگری چندان موفقی نداریم؛ جلسات بسیار متعددی برگزار می‌شود، میز گردشگری راه‌آهن‌اندازی می‌شود، هفته گردشگری ... پاس داشته می‌شود اما تقریباً هیچ برنامه‌ریزی مدیونی که بر پایه آن برنامه‌مطالعه شده‌ای باشد وجود ندارد.

حدود ۱۶ یا ۱۷ سال پیش در نور، شهردار آن دوره می‌گفت می‌خواهم نور را به پایتخت ساحلی ایران تبدیل کنم،

فاطمه طالبیان شریف / مازندران سال‌هاست یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری کشور به شمار می‌رود؛ آستانی که در کنار طبیعت چشم‌نواز و جاذبه‌های تاریخی، فرهنگ، آداب و سبک زندگی بومی نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت آن محسوب می‌شود. با این حال، توسعه گردشگری بدون برنامه‌ریزی و توجه به ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی منطقه می‌تواند به‌جای تقویت این هویت، زمینه‌ساز تغییراتی شود که آثار آن در بلندمدت بر جامعه محلی و حتی سیمای فرهنگی استان باقی بماند. زامه رهن، روزی نسبت میان گردشگری، جامعه محلی و هویت فرهنگی مازندران، ضرورتی است که نمی‌تواند کنار آن به سادگی گذشت.



در همین زمینه، با دکتر امیر هاشمی مقدم، استادیار دانشگاه مازندران و پژوهشگر حوزه انسان‌شناسی و گردشگری، درباره ابعاد مختلف این موضوع، پیامدهای توسعه گردشگری بر جوامع محلی و ضرورت توجه به فرهنگ بومی در سیاست‌گذاری‌های گردشگری گفت‌وگو کردیم.

■ مهم‌ترین محوطه‌ها، بناها و مسیرهای تاریخی مازندران که امروز در معرض تخریب یا تغییر کاربری قرار دارند، کدام‌اند و وضعیت آن‌ها چگونه است؟

بیشتر محوطه‌ها و پناهایی که نگهبان ندارند یا دور از دسترسی و دور از مناطق مسکونی هستند بیشترین آسیب را می‌بینند که به عنوان مثال می‌توانیم به تپه‌های باستانی که در محوطه‌های کشاورزی یا نزدیک محوطه‌های کشاورزی قرار گرفته‌اند اشاره کنیم که هر بار از طریق گسترش زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها به آن‌ها تعرض می‌شود و مقداری پیشروی می‌کنند.

■ گسترش ساخت و ساز، راه سازی و پروژه های عمرانی در مازندران تا چه اندازه به محوطه ها و مسیرهای تاریخی استان آسیب زده است؟

در مازندران وضعیت مقداری متفاوت است؛ یعنی گسترش ساخت و ساز و راه‌سازی بیش از اینکه به آثار فرهنگی و تاریخی آسیب بزند به محیط زیست آسیب وارد می‌کند و اولویت با محیط زیست است و در درجه دوم آثار تاریخی و فرهنگی و بناهای باستانی هستند.

■ راه‌های تاریخی مازندران چه نقشی در شکل‌گیری ارتباطات، تجارت و توسعه سکونتگاه‌های استان داشته‌اند و امروز چه مقدار از این مسیرها باقی مانده است؟

به عنوان مثال مسیر راه بلده به تهران، از مسیر خاتون یارگاه عبور می کرد و یکی از مسیرهایی بود که در گذشته رفت و آمد زیادی در آن انجام می شد، اما امروز تقریباً به مسیر متروکه تبدیل شده است. در این محدوده به یک سکونت دائمی وجود ندارد. من خودم حدود ۱۲ سال پیش یک بار این مسیر را در سه شبانه روز از روستای کمرو تا خاتون یارگاه و گامبردی طی کردم. در طول این مسیر، به جز حضور شمایل از اواخر خرداد ماه تا پایان تابستان، تقریباً هیچ منطقه مسکونی و جمعیتی ساکنی وجود ندارد. حتی کاروانسراهایی که در گذشته در این مسیر وجود داشتند نیز به مرور از بین رفته اند و امروز دیگر اثری از پسبیری از آن ها باقی نمانده است.

در مورد برخی راه‌های دیگر به عنوان مثال جاده هراز، اگر به محدوده شکل شاه، پشت تونل وانا و در منطقه امیری بروید، می‌توانید آثار قابل توجهی را ببینید. در آنجا کتیبه‌ای از دوره ناصرالدین شاه وجود دارد که اگر اشتباه نکنم، یکی از آخرین کتیبه‌هایی است که پادشاهان ایران تراشیده‌اند. در این کتیبه تصویر خود ناصرالدین شاه و پنج تن از فرماندهان لشکر و پنج تن از سران کشوری دیده می‌شود و در اطراف آن نیز اشعاری نوشته شده است. این اثر به صورت یک تابلو سنگی به ابعاد حدود ۴ در ۸ متر روی صخره تراشیده شده است.

این کتیبه به مناسبت تعریض مسیر جاده ایجاد شده؛ در واقع ناصرالدین شاه دستور داده بود این بخش از مسیر که در کنار رودخانه قرار دارد، تعریض شود. جالب اینکه

طراح: محمد رضا علی زاده zadehalireza@gmail.com

- ضمير دوم شخص مفرد عربی - خسیس پس نمی دهد -
ناشیست ۱۴. مایل - الوان - جبهه مقاومت اسلامی فلسطین
۱۵. درس کشیدنی - دورتادور چیزی - فلز چهره

[illegible]

فراورده‌های چوبی - حرف سی‌ام الفبا ۱۵، دزد خانگی -
شاخه‌ای از علوم اجتماعی که با استفاده از مدارک مادی به
بررسی گذشته می‌پردازد

عمودی

۱. درخت اعدام - بروشور - گناه ۲. امام علی (ع) در این غرزه، درب قلعه را از جای درآوردند - هنر هفتم - خوراکی از تخم مرغ و سبزی یا سبب زمینی ۳. خواندن قرآن - شلوار نازک چسبان ورزشی - ریخت و قیافه - مایع دباغی ۴. توقیف قانونی - عابد دیرنشین ۵. خمیر بتونه - سرپرست - فتراک ۶. صفر - سرشیر - «کلام» بی پایان - نابودی ۷. ممکن بودن - سانتی مانتال - تصدیق ویکتور هوگو ۸. پرفروغ - ملکه - بی صدایی ۹. صوت ندا - ظاهر زیبای چیزی از دوردست - تمامی طول بدن ۱۰. حرف فرار - به جا آوردن فریضه - ستاره - روح ۱۱. به درد بخور - جای خلوت - سایه ۱۲. هر گردی که آن نیست - زیرکی ۱۳. خیس

افقی

۱. سریالی به کارگردانی «برت برینگرهاف» که چند سال پیش از شبکه ۳ سیما پخش شد- سوغات گجرات ۲. طلایه- از سبزاها- نام قدیم بيجار ۳. ابر پر ياران - فرزند پتک - حيله - گريختن ۴. پيشگاه خانه - رشته کوه مرتفع آمريکا - سنن ۵. زينت دادن - معکوس ۶. بنیان - حرارت - روز بعد - سه تاي انگليسی ۷. نام دخترانه وطنی - خلاصه وضعیت تحصیلی سالانه دانش آموز - یکی از دو جنس ۸. اجزای دست و پا - پس از خدم می آید - تخلص «کائنا بلدورن وری» مربی و بازیکن سابق تیم ملی فوتبال برزیل ۹. رطوبت - شرقی و غربی آن منطقه‌ای است در چین - رايحه ۱۰. از حيويات - از سرپوش ها - مقابل شوخی - دل آزار کهنه ۱۱. نوعی پارچه زبر پنبه‌ای - نام قدیم آن قومس بوده ۱۲. شاخه‌ای از اقتصاد - درخت تسبیح - پزشک تیغ در دست ۱۳. اتمسفر - مراد و مقصود - درخت سوزنی برگ شهری - امید و چشمداشت ۱۴. بله انتبوس - از